



دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در زبان و ادبیات عربی

عنوان :

شرح و ترجمه چهارصد بیت از دیوان اشعار صاحب بن عبّاد (بخش اول)

استاد راهنما:

دکتر سید محمد میرحسینی

استاد مشاور:

دکتر احمد پاشا زانوس

نگارنده:

فرزانه نظری پور

بهمن ۱۳۹۱



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

معاونت آموزشی - مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم شماره ۳۰

فرم تأییدیه هیأت داوران جلسه دفاع از پایان نامه ارشد

بدین وسیله گواهی میشود جلسه دفاعیه از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم فرزانه نظری پور دانشجوی رشته زبان و ادبیات عربی تحت عنوان "شرح و ترجمه ۴۰۰ بیت از دیوان اشعار صاحب بن عباد" در تاریخ ۹۱/۱۱/۲۸ در دانشگاه برگزار گردید و این پایان نامه با نمره ۱۹... و درجه ... مورد تایید هیأت داوران قرار گرفت.

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبه‌ی دانشگاهی	دانشگاه	امضا
۱	استاد راهنما	دکتر سید محمد میرحسینی	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	
۲	استاد مشاور	دکتر احمد پاشا زانوس	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	
۳	داور داخل	دکتر علیرضا شیخی	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	
۴	نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر محمد رضا صلح جو	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	

بسمه تعالی

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
معاونت آموزشی دانشگاه - مدیریت تحصیلات تکمیلی

تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب فروزانه لطیفه پور دانشجوی رشته پایان نامه مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه / تز تحصیلی خود، با عنوان تاثیر دین بر سلامت روانی استاد صاحب بن مجاهد را تأیید کرده، اعلام می‌نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی، خارجی و یا بین‌المللی، نبوده و تعهد می‌نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد و یا لوازم این تعهد نامه در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ‌التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت‌ها و پیامدهای قانونی و یا خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء و تاریخ

فروزانه لطیفه پور
۱۳۹۱/۱۱/۱۵

تقدیم بہ:

ساحت مقدس حضرت امام زمان (علیہ السلام)

،

پدر و مادر عزیزم

و

ہمسفر مہربانم

مشکر و قدردانی:

حدیث زلف جانان بس دراز است

چه شاید گفت از آن گان جای راز است

لازم می دانم از زحمات بی دریغ خانواده عزیزم که در تمام دوران زندگی و تحصیل، همواره مشوق اینجانب بوده اند کمال تشکر و سپاسگذاری را بنمایم. از زحمات استاد محترم دکتر سید محمد میر حسینی، که بارها بنهایی های خود را هکشتای اینجانب بوده اند و همچنین از جناب آقای دکتر احمد پاشا زانوس، به خاطر مشاوره سازنده در پیشبرد این رساله کمال قدردانی را دارم.

و از همه عزیزانی که به هر نحوی نقش موثری در انجام این پایان نامه داشته اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می شود.

به پاس از خودگذشتگی و تعبیر عظیم و انسانی آن ها از کلمه ایثار

به پاس عاطفه سرشار و گرمای امید بخش وجودشان که در سردترین روزگار، بهترین پشتیبان است

به پاس قلب های بزرگشان که فریادرس است و سرکردانی و ترس در پناہشان به شجاعت می گراید

و به پاس محبت های بی دریغ آن ها که هرگز فراموش نمی شود.

الحمد لله رب العالمین

فرزانه نظری پور

بهمن ماه ۱۳۹۱

چکیده:

صاحب بن عبّاد ادیب دانشمند و دانش پرور شیعی که از بزرگترین وزرا و رجال سیاسی ایران در قرن چهارم هجری بشمار می‌رود، در طالقان اصفهان چشم به جهان گشود. وی از خانواده ایرانی و اصیل و نجیب بود، و پدر و اجداد صاحب همگی از محترمین و فضلا و دانشمندان عصر خود بودند. او در حکومت آل بویه ابتدا در دوره‌ی مؤید الدوله و سپس فخر الدوله سمت وزارت را داشته است. صاحب از شعرای معروف، و از لحاظ ادبی دارای جایگاه برجسته‌ای بود، و در دانشهایی چون علوم قرآن و تفسیر، حدیث، کلام، لغت، نحو، عروض، نقد ادبی، تاریخ، طب، نجوم، موسیقی، منطق و هندسه تسلط و تبحر خاصی داشت و با آثار متعدد در عصر خود به بازار شعر و ادب رونقی نوین بخشید.

صاحب همچون خاندان بویی شیعی مذهب بود و به خاندان نبوت ارادتی شایان داشت، و در مدح آن بزرگواران قصائد بسیاری سروده است. این مجموعه اشعار مذهبی و اعتقادی که بخش مهمی از دیوان او را در بر گرفته، وسیله‌ای است برای بیان اعتقادات مذهبی، کلامی و معتزلی او، که در این قصاید به دفاع از مذهب عدل، توحید، اعتقادات شیعی و حقانیت اهل بیت (ع) می‌پردازد. صاحب برای «تحکیم قضایای دینی بوسیله‌ی نیروی عقل و منطق» در برابر دشمنان اسلام از روش عقلی معتزله و فلسفه کلامی استفاده می‌کند، و در این مسیر از قاضی عبدالجبار معتزلی که در علم کلام از اساتید زبر دست عصر خود و متکلمی نظام‌مند بوده است، پیروی می‌کند. اساس کار این پایان نامه نیز بر پایه‌ی دیوان اشعار صاحب بن عبّاد است که در آن تلاش شده به بررسی جوانب زندگی، مذهب، عقاید معتزلی، ترجمه و شرح اشعار او پرداخته شود. و تأثیر پذیری و پیوندهای صاحب با عبد الجبار در اشعارش مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار گیرد.

واژگان کلیدی: صاحب بن عبّاد، آل بویه، شیعه، معتزله، قاضی عبدالجبارمعتزلی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	ا- ب- ت

فصل اول

زندگی نامه صاحب بن عباد.....	۱- ۲۴
۱- موقعیت سیاسی خلفای عباسی در قرن سوم.....	۲
۱-۱- تسلط آل بویه شیعی مذهب بر خلفای عباسی.....	۳
۱-۱- آل بویه.....	۴
۲- صاحب بن عباد.....	۵
۱-۲- اسم، لقب، کنیه، نسب.....	۵
۲-۲- مولد و موطن.....	۸
۲-۳- اخلاق و سیره صاحب بن عباد.....	۹
۲-۴- غروب خورشید.....	۱۰

- ۵-۲ سیاست و کشور داری صاحب بن عباد..... ۱۰
- ۱-۵-۲ دوران وزارت صاحب بن عباد..... ۱۱
- ۶-۲ علم آموزی و دانش گستری صاحب بن عباد..... ۱۳
- ۱-۶-۲ تألیفات صاحب بن عباد..... ۱۴
- ۷-۲ مذهب صاحب بن عباد..... ۱۵
- ۱-۷-۲ ظهور و وجه تسمیه معتزله..... ۱۷
- ۲-۷-۲ عقاید معتزله و عوامل تأثیر گذار بر تفکر معتزلی..... ۱۸
- ۳-۷-۲ مهمترین امتیازات و اهداف معتزله..... ۲۰
- ۴-۷-۲ معتزله و صاحب بن عباد..... ۲۱
- ۵-۷-۲ پیوندهای قاضی عبدالجبار معتزلی و صاحب بن عباد..... ۲۲

فصل دوم

- شرح و ترجمه اشعار صاحب بن عباد..... ۲۴-۲۱۸
- لقد رحلت سُعدی..... ۲۵
- قلت أبالقاسم..... ۶۸

١٠٢.....لو قيل للمجبرِ

١٠٦.....قولا لمن نصر الاجبار

١١٢.....يا تنوياً

١١٤.....حمداً لربِّ

١٤٦.....ما لعلّى العلاء

١٦٩.....لاح لعينيك

٢٠٥.....كم نعمة لله

٢٠٦.....يا غزالاً

٢١٨.....نتيجته

٢٢٠.....فهرست ها

٢٣٣.....منايع و مأخذ

فهرست علائم اختصاری:

صح: صحاح اللغة

ق.م: قاموس المحيط

ل.ع: لسان العرب

م. و: معجم الوسيط

افا: اسم فاعل

مص: مصدر

مفع: اسم مفعول

مف: مفرد

مقدمه

ادبیات کهن و معاصر زبان عربی، نسبت به معرفی چهره های بزرگ و سرشناس در عرصه شعر و ادب که تعدادشان بسیار زیاد است، کوتاهی نکرده است؛ چرا که در بسیاری از کتب طبقات و معاجم به شرح حال زندگی و ادب آنان اشاره، و در معرفی آثارشان قلم فرسایی شده است. با وجود این، آنگونه که بایسته و شایسته است معرفی آنان نتوانسته است پژوهشگران و محققان ژرف اندیش را قانع و خرسند نماید. و نیز در بسیاری از موارد، به افرادی پرداخته شده است که از نظر ادبی و علمی، ارزش چندانی ندارند، و در مقابل از شاعران و ادیبانی که دارای ابیاتی قوی و اشعاری نیکو با موضوعات جدید هستند، چشم پوشی، و یا بسیار مختصر به آنان پرداخته است.

یکی از این شاعران «ابوالقاسم اسماعیل بن عبّاد ملقب به صاحب» است. وی در سال ۳۲۶ هجری در اصفهان متولد شد و در علوم قرآن و تفسیر، حدیث، کلام، لغت، نحو، طب و.. از استوانه های علوم روزگار خود بشمار می آمده است. او در ادبیات عرب دو تأثیر مهم برجای گذاشت: یکی آنکه شعر منظوم و منثور عربی را پس از یک قرن تنزل و کساد، ترقی و رواج بخشید، و دیگر آنکه کتابت رسائل یا شعر منثور عربی را با آوردن سبک و طرز نوین بصورتی تازه درآورده، و از این حیث نیز ادبیات عربی را به مرحله ی تازه وارد ساخته است.

نظربه اینکه صاحب بن عبّاد از شاعران بزرگ روزگار خود بوده، و در تاریخ ادبیات عربی از جایگاه والایی برخوردار است و به تصدیق مورخین و ائمه ی ادب، مهمترین عامل تحول و تغییری است که در قرن چهارم در نظم و نثر عربی روی داده است، با این حال در دوره ی معاصر، دیوان اشعار او کمتر مورد بحث و بررسی و توجه قرار گرفته، و در کتب قدیم اعم از کتابهای تاریخی و ادبی و رساله های کارشناسی ارشد و مقطع دکتری زبان و ادبیات عربی تنها به ذکر برخی از اشعار وی اکتفا شده، و آنچنان که باید به شرح و ترجمه ی اشعار و بررسی دقیق آن، پرداخته اند، و عقاید وی در زمان کنونی برای بسیاری از ادیبان و دانش پژوهان ناشناخته مانده است.

بدین سبب نگارنده پس از مشورت با استاد محترم راهنما، بر آن شد که موضوع پایان نامه خود را به ترجمه و شرح و بررسی دقیق اشعار صاحب بن عبّاد اختصاص دهد. و ما در این رساله برآنیم تا قدری، پای در خلوت اندیشه‌ی این مرد بزرگ نامی ایران نهاده، و از طریق دیوان شعرش با او و افکار ادیبانه و شاعرانه اش آشنا شویم، و قدمی چند در بوستان سراسر معرفت و ادب او نهیم، کوششی که تحقیقاً هرگز همسنگ شأن و مقام علمی ادبی او نیست. اما به حکم:

آب دریا را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی باید چشید

روش کار در این پایان نامه از آغاز تا پایان نگارش اینگونه است:

در فصل اول ابتدا به تحولات تاریخی عصرخلفای عباسی، و بررسی اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی زمان شاعر و تاریخ زندگی وی پرداخته شده، و آنگاه به اخلاق و صفات صاحب و به دوران وزارت و سیاست و کشورداری وی اشاره، و در ادامه بحث به موضوعاتی چون جایگاه علمی و ادبی و معرفی استادان، شاگردان، مذهب، عقیده و افکار معتزلی شاعر با استفاده از منابع معتبر و با الهام گرفتن از اشعار و چکامه های او مطرح می‌شود.

و در فصل دوم شرح و ترجمه‌ی اشعار صاحب بیان می‌شود. به این صورت که ابتدا به ذکر معانی لغات دشوار و کلیدی از چند کتاب لغت چون لسان العرب، صحاح، معجم الوسیط استفاده گردید، که با علامت اختصاری «ل.ع.م./» و «صح.م./» و «م.و.م./» نگاشته شد، و بعد به ترجمه‌ی روان بیت - در حد توان - پرداخته، و در ادامه در صورت لزوم شرحی از آیات قرآن کریم یا عبارتی از نهج البلاغه و روایات و ابیاتی از شاعران معروف عرب و خصوصاً شاعران شیعی که صاحب بن عبّاد خود در دیوان به آنها اشاره کرده، و نیز شرح و تحلیل ابیات و ریشه افکار و عقاید شیعی و معتزلی شاعر در شعر ذکر گردیده است.

و در ادامه شرح، اشاره به نکات بلاغی و صرفی و نحوی تا حد لازم صورت گرفت و در آن سعی شده تا اولین اشاره صرفی و نحوی، بلاغی، عروضی با ذکر آدرس مطلب از کتاب مربوط همراه شود، و در انتها نتیجه‌ای از

این نوشتار گرفته و نیز به ذکر فهرست منابع و مراجع، فهرست مطالب و فهرست نکات بلاغی و عروضی اقدام شد.

اما بزرگترین دشواری هایی که در این مسیر پیش روی ما، وجود داشت، این بود که موضوع پایان نامه، در چند محور و نتیجه بسیار گسترده بود، که وقت بسیار را می طلبید. و می توان گفت که هریک از زمینه ها: شرح و ارجاع مطالب قصائد، زندگی نامه، مذهب و اعتزال شاعر، خود به تنهایی می توانست محور یک پژوهش و پایان نامه قرار بگیرد. از دیگر دشواری های کار، کم بودن منابع و کتب عربی در دانشگاهها و فقدان آن در کتابخانه های شهرستان بود، که البته این مسأله را تاحدودی جستجوی اینترنت و ذخیره کتابهای الکترونیکی (مطابق اصل) جبران می نمود.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که نتایج مثبت این رساله و ثمره ی آن، مرهون زحمات استادان فاضل جناب آقای دکتر سید محمد میرحسینی و جناب آقای دکتر احمد پاشا زانوس می باشد. که اگر عنایات و توجهات ایشان نبود، این رساله به سر منزل مقصود نمی رسید، و چنانچه نقصی هم در رساله موجود باشد، نتیجه ی قصور نگارنده بوده که نتوانسته است از توجهات و راهنمایی های استادان محترم بهره ی لازم را ببرد.

فصل اول:

زندگی نامہ صاحب بن عماد

۱- موقعیت سیاسی خلفای عباسی در قرن سوم

دوره طلایی حکومت عباسی، با آغاز نیمه اول قرن سوم به پایان رسید. از سال ۲۳۲ هجری تا سال ۴۴۰ هجری، دوره حکومت‌های مستقل و نیمه مستقل در گوشه و کنار ممالک عباسی، آغاز می‌شود و هرکدام از این دولت‌ها با حکومت عباسی سر نزاع و درگیری داشتند و علاوه بر آن، با دولت‌های مجاور و معاصر خود هم در رقابت و بعضاً در ستیز بودند. طی این دوره، از حکومت عباسی جز نامی باقی نمانده بود.

با قتل خلیفه، متوکل، توسط ترکان در سال ۲۴۷ هجری و استیلای آنها بر مملکت، قبح خلیفه کشی از بین می‌رود. و فرماندهان لشکر، خلفای عباسی را بازیچه دست خود ساختند و هرگاه اراده می‌کردند او را عزل و یا به قتل می‌رساندند و خلیفه تا زمانی خلیفه بود که آنان می‌خواستند و این مساله باعث شد دولت‌های تازه به استقلال رسیده، راحت تر تنفس بکشند.^۱ دولت صفاریان (۲۹۶-۲۵۴) دولت سامانیان، دولت طولونیه (۳۵۳-۲۹۲) در مصر (امرای اخشیدی) دولت فاطمیون مصر (۳۵۸ به بعد) دولت حمدانی (۳۱۷ هجری) در موصل و حلب و دولت آل بویه از سال (۳۲۰ به بعد) در ایران و طبرستان، همه و همه از دولت‌های مستقل و یا نیمه مستقل این دوران هستند. و تشکیل این دولت‌ها، ضربه بزرگی بر پیکره خلافت عباسی بود.

گذشته از این دولت‌ها، جنبش‌های دینی همچون خیزش قرامطه علیه عباسیان از سال ۲۷۷ هجری به بعد، حرکت خوارج از سال ۳۱۵ به بعد، همه و همه از دیگر عوامل انحطاط و ضعف دولت عباسی شدند و بنا بقول ابن اثیر در ذیل حوادث ۳۲۴، از خلیفه بغداد جز نامی و از اراضی حکومت، جز بغداد و سواد آن چیزی باقی نمانده بود.^۲

^۱ ابن الطقطقی، محمد بن علی، الفخری فی الآداب السلطانیة و دول الاسلامیة، بیروت دارالقلم العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸، ص ۲۴۰.

^۲ ابن اثیر، ضیاء الدین، الکامل فی التاریخ، دارالکتاب العربی، الطبعة الاولى، بیروت ۱۴۱۷ (ج ۷، ص ۵۳) - و رک. همان (ج ۱، ص ۱۳۷)

۱-۱ تسلط آل بویه شیعی مذهب بر خلفای عباسی

عباسیان به سبب بهره‌گیری از ایرانیان و دوستداران آل محمد (صلی الله علیه واله) در رسیدن به قدرت، ناچار بودند در رفتار با مردمان ایران و شیعیان ملایمت نشان دهند. ادامه این وضع به حضور بیشتر ایرانیان و شیعیان در دربار خلافت انجامید. تأثیر مریبان و وزیران شیعی تا آنجا بود که خلفا در مواقع اضطرار سیاسی، به داشتن گرایشهای شیعی تظاهر می‌کردند. علی‌رغم آن که خلافت غالباً سنی مذهب در حدود سه قرن بدون رقیبی نیرومند در اوج قدرت سیاسی قرار داشت، شیعیان با نفوذ تدریجی در دستگاه خلافت و دستیابی به مشاغل کلیدی؛ مانند وزارت، بر قدرت سیاسی مسلط گردیدند. ادامه این وضع خلفا را ضعیف‌تر و مخالفانشان را قوت می‌بخشید. در دوره راضی بالله (۳۲۹ - ۳۲۲هـ) قدرت دنیوی خلیفه، عملاً به امیرالامراها که اغلب - از ایرانیان و شیعیان بودند - منتقل شد؛ خراسان و ماوراءالنهر در دست سامانیان، طبرستان و گرگان در دست علویان و فارس و بلاد مرکزی در دست آل بویه و آل زیار قرار داشت. آنان هر چند به ظاهر مطیع خلیفه بودند، اما در واقع، به طور مستقل حکومت می‌کردند. ضعف خلفا در دوره‌های بعد آشکارتر شد، قدرت آنان، راه سرایشی در پیش گرفت که به تسلط بیشتر سپاهیان بر خلیفه انجامید. مستکفی (۳۳۴ - ۳۳۳هـ) که هم‌زمان با حکومت آل بویه بر مسند خلافت تکیه زده بود، هم‌چون خلفای دیگر دچار ضعف بود، از اینرو، بغداد برای ورود افراد تازه‌نفس، حتی با گرایش‌های شیعی آمادگی پیدا کرد.^۱

آری در چنین آشفته‌بازاری، دولت آل بویه و یا ماهیگیران تاجدار، پای در رکاب عزم و اراده نهادند و به پشتوانه مردانی با عقل و درایت و با تکیه بر کفایت علمی و سیاسی آنها، توانستند، روزگاری دراز، سکه حکومت به نام خود ضرب نمایند.

^۱. ترکمنی، پروین، آل بویه، عباسیان و آیین تشیع، ص ۳

در زمان ضعف خلافت عباسی، قدرت سه برادر بویی (علی، حسن و احمد) در ایران، در حال شکل‌گیری بود. آل بویه یا دیالمه که از سال (۳۲۰ تا ۴۴۷) بلاد ایران را بااستثنای خراسان و طبرستان؛ در زیر فرمان داشتند؛ به سه دسته: دیالمه فارس و دیالمه عراق و اهواز و کرمان و دیالمه ری و همدان و اصفهان منقسم بودند. فرمانروای دیالمه فارس تا سال ۴۴۰ و دیالمه عراق و اهواز تا سال ۴۰۳ و دیالمه ری و همدان تا سال ۴۱۴ برقرار بود^۱.

برادران بویه که گرایش‌های شیعی داشتند، پس از فتوحات خویش در ایران و پس از تسلط بر فارس و قسمتی از جبال، به تحریک برخی از حکام مخالف خلیفه، به فکر تسلط بر بغداد افتادند. با توجه به وضع بغداد و ضعف خلفا، خواسته‌ی آنان به زودی جامه عمل پوشید. حکومت آل بویه نقطه عطف سیاسی در روابط ایران و بغداد و آغازی بر ورود خلفای عباسی به دوره ضعف سیاسی و از دست دادن اقتدار معنوی و دنیوی است. آنان اولین حکومت ایرانی بودند که توانستند به آمال بسیاری از امیران ایرانی، از جمله یعقوب لیث صفاری و مردآویج زیاری، دست یابند و بر خلافت عباسی مسلط گردند^۲.

با تسلط احمد بن بویه (معزالدوله) بر بغداد (۳۳۴هـ)، مستکفی، برای رهایی از تسلط گستاخانه ترکان، حضور احمد بن بویه را در بغداد غنیمت شمرد. او گفته بود: «من پنهان شدم تا ترکان بر من تکیه نکنند و قدرشان فرو ریزد و احمد بن بویه بی رنج پیروز گردد». معزالدوله (احمدبن بویه) دیلمی پس از وارد شدن به بغداد بنفوذ و استیلای ترکان خاتمه داد. و از این تاریخ زیر دست و دست نشانده دیالمه ایران شدند^۳. با این همه، عمر خلافت مستکفی نمی‌توانست دوام یابد. معزالدوله نگران اقدامات او و اطرافیانش برای بازیابی قدرت بود. وی می‌بایست خلافت یا خلیفه را تغییر دهد. ابتدا درصدد برآمد تا خاندان خلافت را تغییر دهد و آن را به آل علی (علیه السلام) منتقل کند. همدانی می‌نویسد: «می‌خواست با ابالحسن محمدبن یحیی زیدی علوی بیعت کند» ولی به صلاحدید وزیرش، صیمری، از این کار منصرف شد و خلیفه‌ای مطیع از عباسیان را به فردی از خاندان علی (ع) ترجیح داد. صیمری معتقد بود که اگر خلیفه، علوی باشد، معزالدوله ناچار خواهد بود از او اطاعت کند

^۱. بهمنیار، احمد، شرح و احوال صاحب بن العباد، بکوشش دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۴

^۲. آل بویه، عباسیان و آیین تشیع: ترکمنی، ص ۲

^۳. شرح و احوال صاحب بن العباد، احمد بهمنیار، ص ۲۲

و چه بسا فقط به منزله فرمانده لشکر ایفای نقش نماید.^۱ پس معزالدوله برای رسیدن به مقاصد آل بویه، تغییر خلیفه را که عملی تر و منطقی تر می نمود، بر تغییر خلافت از عباسیان به خاندان دیگر ترجیح داد و به زودی بهانه‌های لازم برای انجام این امر نیز فراهم گردید. معزالدوله با اینکه خلیفه جدید را سوگند داده بود «تا علیه او کاری نکند و دشمنی نوزد»، اما نسبت به او بدگمان بود، و به همین علت، وقتی برای جنگ از بغداد خارج می شد، خلیفه را نیز همراه خود می برد و «مطیع مثل اسیر نزد او بود». معزالدوله برای مطیع، مقرری تعیین میکرد و این نهایت قدرت آل بویه و تسلط کامل آنان بر خلیفه عباسی را نشان می دهد.^۲

پس از مرگ معزالدوله و جانشینی پسرش، عزالدوله، رابطه او و خلیفه شکل جدیدی به خود گرفت. عزالدوله، از طرفی در تظاهر به مذهب تشیع تعصب و اصرار نشان میداد و از طرف دیگر، در امر سیاست، توانایی و تدبیر معزالدوله را نداشت. جنگهای متعدد او با همسایگان خارجی، حکومت را با مشکلات مالی و سرکشی عوامل نظامی رو به رو ساخت.^۳ ضعف خلیفه و عزالدوله، اختلاف میان سپاهیان را که ترکیبی از ترکان و دیلمیان بودند، شدت بخشید. حکومت عزالدوله دو بار مورد تعرض عضدالدوله (پسر رکن الدوله و پسر عموی عزالدوله) قرار گرفت.^۴ و در سال ۳۶۵ رکن الدوله که علیل و رنجور شده بود و مرگ خود را نزدیک می دید برای متحد ساختن فرزندان خود از ری به اصفهان که مقر حکمرانی پسرش مؤید الدوله بود، رفت، عضدالدوله نیز از فارس به اصفهان آمد و رکن الدوله بشرحی که در تاریخ مسطور است مملکت را بین پسران تقسیم و عضدالدوله را ولیعهد کرد و آنگاه برای بازگشت در محرم سال ۳۶۶ درگذشت.

پس از مرگ رکن الدوله، مؤیدالدوله از اصفهان رفت تا به نیابت عضدالدوله آن ولایت را ضبط و بجای پدر فرمانروایی کند.^۵ و در ماه شعبان (سال ۳۷۳) مؤیدالدوله بمرض خوانیق در جرجان درگذشت. و مدت زندگانی او چهل و سه سال و مدت امارتش پس از رکن الدوله هفت سال بود. صاحب بن عبّاد وزیر مؤیدالدوله پس از مرگ وی، برادر خود را با تنی چند از معتمدان با نامه بخراسان نزد فخرالدوله برادر مؤیدالدوله فرستاد تا از او

۱. آل بویه، عباسیان و آیین تشیع: ترکمنی، ص ۴

۲. آل بویه، عباسیان و آیین تشیع، ص ۱۲

۳. شرح و احوال صاحب بن العباد، احمد بهمنیار، ص ۵

۴. بهمنیار، ص ۶

۵. بهمنیار، ص ۴۱

عهد و پیمان بگیرند که اگر پادشاهی وی تفویض شود با مردم بنیکی و عدالت رفتار کند، پس فخرالدوله وارد قصر ملک شد و مردمان با او بیعت کردند.^۱

فخرالدوله در سال ۳۷۹ عازم تسخیر بغداد شد و سبب این بود که وزیرش صاحب بن عبّاد مدتها آرزوی فتح بغداد را در دل می پرورانید و پیوسته منتظر بود تا وقتی که شرف الدوله وفات یافت و برادرش بهاءالدوله بجای او نشست. سپاهیان فخرالدوله پس از اهواز روی بخوزستان نهادند. در نزدیکی خوزستان لشکر بهاءالدوله بایشان رسید و جنگ در پیوستند. سپاه فخرالدوله که دل شکسته بودند شکست خوردند و تا اهواز باز پس نشستند.^۲

بهاءالدوله که سعی داشت امور بغداد را در کنترل داشته باشد، در سال ۳۹۴هـ احمد موسوی را بار دیگر به مقام نقابت علویان، قاضی القضاتی و امیر حجاج منصوب کرد و دیوان مظالم را نیز بر عهده او گذاشت. فرمان بهاءالدوله از شیراز به بغداد رسید. خلیفه، القادر بالله که مردی با هوش و تدبیر بود. بجز مقام قاضی القضاتی، بقیه مناصب را تأیید کرد. و این مخالفت نشانه احیاء قدرت معنوی خلیفه عباسی و شروع ضعف امیران آل بویه بوده است. القادر بالله، علاوه بر اقدام برای احیای اقتدار خلیفه، در صدد تضعیف و حذف شیعیان نیز برآمد. او از برگزاری مجالس مناظره معتزله و شیعه ممانعت و مخالفان را سرکوب می کرد. تسلط آل بویه بر خلفای عباسی و تضعیف آنان، بار سنگینی بود که از چندین سال پیش بر اهل تسنن تحمیل شده بود و آنان به دنبال دست یابی به موقعیتی برای بازگشت به قدرت بودند. قدرت آل بویه هم زمان با بغداد، در ایران نیز رو به ضعف گذاشت و نبود یک حکومت واحد، آنان را با نابودی رو به رو کرد. حکومت آنان، ابتدا در داخل ایران رو به ضعف گذاشت و سپس در بغداد از ریشه کنده شد.^۳

^۱. همان، ص ۴۵

^۲. همان، ص ۴۷

^۳. آل بویه، عباسیان و آیین تشیع، پروینی، ص ۱۵